



# Folksonomies versus Controlled Vocabularies: Theoretical Approaches

**Mahdi Khademian**

PhD in Knowledge and Information Science;

National Library and Archives of Iran;

Corresponding Author mahdik55@gmail.com

**Mortaza Kokabi**

Professor in Knowledge and Information Science;

Shahid Chamran University of Ahvaz kokabi80@yahoo.com

Received: 16, Jul. 2016

Accepted: 02, Jan. 2017

**Abstract:** The purpose of this paper is reviewing the literature to identify the epistemological and theoretical approach to the folksonomies and comparing them with theoretical foundations of controlled vocabularies. This paper is a library research. Reviewing the literature, identifying and reviewing theoretical approaches related to the folksonomies include Critical Social Theory, Social Constructivism, Relativism, Derrida's Deconstruction and Hospitality and is compared to theoretical foundations of controlled vocabulary.

In theoretical approaches it is emphasized that people and users are different and have their different experience and knowledge. So, they form different concepts in mind and use different words to express their concepts that are different from one user to another. This diversity in concepts is represented in folksonomies. But in controlled vocabularies, concepts that only exist in the minds of catalogers is represented which may differ from the concepts that are in the minds of users. On the other hand, relativity can create a lack of uniformity which is considered a disadvantage for folksonomies, while uniformity is considered in controlled vocabularies and is an strength for them. In conclusion, reviewed theoretical approaches provide a theoretical basis for judging folksonomies capabilities, advantages and disadvantages in comparing them to controlled vocabularies, but findings of future researches must also be considered in this respect.

**Keywords:** Folksonomies, Social Tagging, Controlled Vocabularies, Critical Social Theory, Social Constructivism, Relativism, Derrida's Deconstruction and Hospitality

# رده‌بندی‌های مردمی در مقابل واژگان مهارشده: رویکردهای نظری

مهدی خامیان

دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛ کارشناس  
مستندسازی؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛  
پدیده‌آور رابط mahdik55@gmail.com

مرتضی کوبی

دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛ استاد؛ گروه علم  
اطلاعات و دانش‌شناسی؛ دانشگاه شهید چمران اهواز؛  
kokabi80@yahoo.com

پژوهش‌نامه  
پژوهش و  
مدیریت  
اطلاعات

دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۲۶ | پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۳ | مقاله برای اصلاح به مدت ۳۰ روز نزد پدیده‌آوران بوده است.

فصلنامه | علمی پژوهشی

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

شاپا (چاپی) ۸۲۳۳-۲۲۵۱

شاپا (الکترونیکی) ۸۲۳۱-۲۲۵۱

نمایه در SCOPUS و ISI، LISTA و

ijpm.irandoc.ac.ir

دوره ۳۳ | شماره ۲ | صص ۹۴۵-۹۶۲

زمستان ۱۳۹۶



چکیده: مرور نوشتارهای معرفت‌شناختی و شناسایی رویکردهای نظری مربوط به رده‌بندی‌های مردمی و مقایسه آن‌ها با مبانی نظری واژگان مهارشده هدف این مقاله است. روش پژوهش کتابخانه‌ای است. با مرور نوشتارها، رویکردهای نظری مربوط به رده‌بندی‌های مردمی یعنی نظریه اجتماعی انتقادی، سازه‌گرایی اجتماعی، نسبی‌گرایی، واسازی و مهمان‌نوازی «دریدا»یی شناسایی، نقد و بررسی و با مبانی نظری واژگان مهارشده مقایسه شده است. در رویکردهای نظری بررسی شده بر این نکته تأکید شده که افراد و کاربران از تجارب و دانش‌های متفاوتی برخوردارند. بنابراین، مفاهیمی متفاوت در ذهن آن‌ها شکل گرفته است و از واژه‌هایی متفاوت برای بیان این مفاهیم استفاده می‌کنند که به‌طور نسبی از کاربری تا کاربر دیگر متفاوت است. این تنوع مفاهیم در قالب نظام رده‌بندی‌های مردمی قابلیت بروز دارد. اما در نظام واژگان مهارشده فقط مفاهیمی که در ذهن فهرست‌نویس یا مستندساز وجود دارند قابلیت بروز دارند و ممکن است با مفاهیمی که در ذهن کاربران هستند، متفاوت باشند. از طرف دیگر، نسبی بودن می‌تواند مسئله عدم یکدستی را به وجود بیاورد و برای رده‌بندی‌های مردمی یک نقطه ضعف تلقی شود، در حالی که در واژگان مهارشده یکدستی مورد توجه قرار گرفته و از نقاط قوت این نظام محسوب می‌شود. نتیجه این که رویکردهای نظری بررسی شده می‌توانند مبنای نظری مناسبی را برای قضاوت درباره قابلیت‌ها، ویژگی‌ها، مزایا و معایب رده‌بندی‌های مردمی و مقایسه آن‌ها با واژگان مهارشده فراهم کنند، ولی قابلیت عمومیت‌بخشی آن‌ها، به یافته‌های پژوهش‌های آینده بستگی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** رده‌بندی‌های مردمی، فوکسونومی‌ها، برچسب‌های اجتماعی، واژگان مهارشده، نظریه اجتماعی انتقادی، سازه‌گرایی اجتماعی، نسبی‌گرایی، مهمان‌نوازی و واسازی از دیدگاه دریدا

## ۱. مقدمه

نمایه‌سازی موضوعی تاریخچه‌ای طولانی در مطالعات علم اطلاعات و دانش‌شناسی دارد. توسعه واژگان مهارشده موضوعی (مانند سرعنوان‌های موضوعی کتابخانه کنگره) در دهه اول قرن ۲۰ میلادی اهمیت ایجاد دسترسی موضوعی به منابع اطلاعاتی را نشان می‌دهد (Kipp 2011). نمایه‌سازی با استفاده از واژگان مهارشده و اصطلاح‌نامه‌ها روش رایجی است که برای حل مسائل مربوط به زبان طبیعی و از بین بردن ابهام استفاده شده است. این نظام‌ها تا حد زیادی به واسطه‌های اطلاعاتی حرفه‌ای متکی هستند (Kipp 2005). نمایه‌سازی دستی مبتنی بر واژگان مهارشده می‌تواند از طریق منطبق‌پذیر کردن زبان‌های طبیعی، حذف موارد ابهام‌آمیز و شناسایی اصطلاح‌های مشابه، محدودیت‌های ذاتی برای دسترسی به اطلاعات مرتبط را کاهش دهد. علی‌رغم این مزایا، مشخص شده است که تخصیص اصطلاح‌های موضوعی بر مبنای واژگان مهارشده معیابی نیز دارد. معایب متداول عبارت‌اند از: «فقدان خاص بودن موضوع‌ها در برخی حوزه‌های موضوعی، نیاز به سرمایه‌گذاری زیاد مالی، صرف وقت، تعلیم و مهارت و مداخله متخصصان» (Wu et al. 2013). به عبارت دیگر، اگرچه پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نظام‌های نمایه‌سازی سنتی می‌توانند برای بازیابی مؤثر اطلاعات، مفید باشند و بازیافت و دقت بازیابی را بهبود بخشند، اما به این دلیل که انجام این شیوه نمایه‌سازی نیازمند صرف زمان و هزینه زیاد بود، روش‌های جایگزین دیگری مورد توجه قرار گرفتند.

با پیدایش فناوری‌های وب ۲ که بر حوزه‌های فردی و اجتماعی و رشته‌های علمی مختلف تأثیرگذار بوده است، کاربران به بخشی از نظام‌ها یا خدمات تبدیل شده‌اند. وب ۲ نسل دوم خدمات وب است که بر مشارکت و اشتراک شبکه‌های اجتماعی و برچسب‌گذاری تأکید دارد و قدرت خرد جمعی را نشان می‌دهد (Nashipudi 2012). کتابخانه‌ها نیز تحت تأثیر فناوری‌های وب ۲ قرار گرفته‌اند. این بود که پس از پیدایش این فناوری‌ها، مفهوم کتابخانه ۲ مطرح شد. یکی از مفاهیمی که در کتابخانه ۲ مورد توجه است، رده‌بندی‌های مردمی یا فوکسونومی‌هاست. رده‌بندی‌های مردمی به‌عنوان

یک روش نمایه‌سازی جدید نسبت به روش‌های نمایه‌سازی سنتی از قابلیت‌های متفاوتی برخوردار است و تعامل و مشارکت، ویژگی منحصربه‌فرد این روش نمایه‌سازی است. برای شناخت بهتر رده‌بندی‌های مردمی به‌عنوان یک جایگزین برای واژگان مهارشده، درک مبانی نظری مطرح‌شده در حوزه موضوعی فناوری‌های وب ۲، کتابخانه ۲ و به‌ویژه رده‌بندی‌های مردمی ضروری است. در این مقاله نوشتارهایی که به رویکردهای نظری مربوط به سازماندهی دانش با استفاده از رده‌بندی‌های مردمی و واژگان مهارشده پرداخته‌اند، بررسی، نقد و مقایسه می‌شوند. بنابراین، مرور نوشتارهای پژوهشی مربوط به رده‌بندی‌های مردمی و برجسب‌های اجتماعی و مقایسه آن‌ها با واژگان مهارشده و سرعنوان‌های موضوعی در حیطه این مقاله قرار نمی‌گیرد.

## ۲. رویکردهای نظری

قبل از پرداختن به رویکردهای نظری مطرح‌شده در این حوزه، پرداختن به برخی از مفاهیم مبنایی مانند «فرهنگ مشارکتی»، «هوش جمعی»<sup>۲</sup> و «همگرایی رسانه‌ای»<sup>۳</sup> مفید است.

«فرهنگ مشارکتی» فرهنگی است که در آن مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اطلاعات به جای این که کاملاً از یکدیگر جدا باشند، با یکدیگر کار می‌کنند (Jenkins 2006). برای مثال، کاربرانی که تولیدکننده آثار هستند و محتواهای اطلاعاتی را خلق می‌کنند، می‌توانند به اطلاعاتی که خلق کرده‌اند برجسب‌های موضوعی تخصیص دهند و به سازماندهی آن‌ها کمک کنند (Hansson 2014). در دنیایی که فرهنگ مشارکتی بر آن حاکم است، مفاهیم، معنای خاص خود را پیدا می‌کنند. مثلاً بین دو مفهوم «کنش‌پذیری»<sup>۴</sup> و «مشارکت»<sup>۵</sup> تفاوت به‌وجود می‌آید. «کنش‌پذیری» معمولاً توسط تولیدکننده رسانه ایجاد می‌شود و اغلب بخشی از خود فناوری بوده و این ویژگی ممکن است برای کاربران محدودکننده نیز باشد. اما، در مقابل، «مشارکت» بخشی از فرهنگ حاکم است. این بدان معناست که افراد می‌توانند با مشارکت همدیگر با فناوری، محتوا و همچنین تولیدکننده در ارتباط

- 
1. participatory culture
  2. collective intelligence
  3. media convergence
  4. interactivity
  5. participation

باشند و بلکه فرهنگ حاکم را شکل دهند و موجب تغییر زیرساخت‌های فناوری شوند (Jenkins 2006).

مفهوم «هوش جمعی» وقتی معنا پیدا می‌کند که انبوهی از افراد، که احتمالاً زمینه‌های فکری متنوع و ایدئولوژی‌های متفاوتی دارند، با تلاش‌های جمعی خود به خلق یا مدیریت دانش می‌پردازند و اجماع بزرگ قابل تشخیص و نمایانی بین همه آن‌ها شکل می‌گیرد. هوش جمعی در نظام‌های سازماندهی دانش مانند رده‌بندی‌های مردمی برای مدیریت و حتی خلق اطلاعات قابلیت کاربرد دارد. مثلاً در «ابرجسب‌ها»، برجسب‌های برجسته و نمایانی که توسط جمعی از افراد انتخاب شده، اجماع آن‌ها را نشان می‌دهد و احتمالاً درست‌ترین برجسب‌ها خواهند بود (Hansson 2014).

«همگرایی رسانه‌ای» وقتی رخ می‌دهد که رسانه‌ها در قالب چند ابزار رسانه‌ای قابل دسترس هستند (Jenkins 2006). برای مثال، یک موسیقی خاص در قالب‌های مختلف و چندگانه‌ای مانند رادیو، دستگاه‌های پخش موسیقی رقمی (مانند آی‌پاد<sup>۲</sup>)، سی‌دی و رایانه قابل پخش است.

مفاهیم فرهنگ مشارکتی، هوش جمعی و همگرایی رسانه‌ای ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارند که با پیدایش و توسعه فناوری‌های وب ۲ به منصفه ظهور رسیده‌اند و همین ویژگی‌ها آن‌ها را از فناوری‌های قبلی متمایز می‌کند.

مرور پژوهش‌های معرفت‌شناختی در سازماندهی دانش با استفاده از قابلیت‌های وب ۲ نشان می‌دهد که مبانی نظری و فلسفی متفاوتی برای این رویکرد مطرح شده‌اند که با مبانی نظری رویکرد سنتی سازماندهی دانش متفاوت هستند. نظریه اجتماعی انتقادی<sup>۳</sup>، سازه‌گرایی اجتماعی<sup>۴</sup>، نسبی‌گرایی<sup>۵</sup>، مفهوم مهمان‌نوازی و واسازی از دیدگاه «دریدا»<sup>۶</sup> از جمله چارچوب‌های نظری هستند که قابلیت‌های وب ۲، کتابخانه<sup>۲</sup> و رده‌بندی‌های مردمی با استفاده از آن‌ها تبیین شده‌اند.

1. tag clouds
2. iPod
3. critical social theory
4. social constructivism
5. relativism
6. derridean concept of hospitality and deconstruction

### ۳. نظریه اجتماعی انتقادی

«نظریه انتقادی»<sup>۱</sup> یک جنبش فلسفی در قرن بیستم است که منتقد جامعه و فرهنگ است. این نظریه از سوی فیلسوفان «مکتب فرانکفورت»<sup>۲</sup> ارائه شد و بر مبنای نظری رشته‌های حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی در قرن بیستم تأثیرگذار بوده است. «ماکس هورکهایمر»<sup>۳</sup> برای اولین بار نظریه انتقادی را در مقابل نظریه سنتی که مبتنی بر روش‌شناسی «دکارت» بود، مطرح کرد. او نظریه‌های سنتی را به دلیل این که ساختارهای اجتماعی و تأثیری را که بر شکل‌دهی دانش دارند نادیده می‌گرفتند، مورد انتقاد قرار می‌دهد. پس از او، سایر فیلسوفان «مکتب فرانکفورت» به تبیین و تکمیل «نظریه انتقادی» پرداختند. «یورگن هابرماس»<sup>۴</sup> «نظریه اجتماعی انتقادی» را مطرح، و اصطلاح «فضای عمومی»<sup>۵</sup> را ابداع و جنبه‌های تعامل اجتماعی را به «نظریه انتقادی» اضافه کرد. از نظر او اطلاعات به مثابه اکسیژن مردم‌سالاری است که در فضاهاى فکری و اجتماعی پراکنده می‌شود و اگر فرایند تولید، توزیع و مصرف اطلاعات آزاد باشد و حداکثر افراد اجتماع در آن مشارکت داشته باشند، مردم‌سالاری واقعی به وقوع خواهد پیوست.

«هابرماس» در «نظریه اجتماعی انتقادی» بر عقل انسانی تأکید دارد و از نظر او عقل به منزله رمزگشا برای پیام‌های اجتماعی عمل کرده و مفهوم‌سازی از جهان را امکان‌پذیر می‌کند. عقل انسانی از «جهان زندگی»<sup>۶</sup> نشأت می‌گیرد و تجربه‌های زندگی شامل فشارهای نیمه‌هشیار، احساس‌ها و معانی شکل گرفته در ذهن انسان بر آن مؤثر هستند. «جهان زندگی» دربرگیرنده معانی و ارزش‌هایی است که از تجربه‌های زندگی نشأت می‌گیرند (Pentarchou 2014). بنابراین، جهانی که انسان در آن زندگی می‌کند، تجربه‌هایی که می‌اندوزد و دانشی که کسب می‌کند بر مفاهیم شکل گرفته در ذهن انسان تأثیرگذار است. این مفاهیم متفاوت ممکن است در قالب واژه‌ها یا برچسب‌های اجتماعی مختلف بیان شوند.

«نظریه اجتماعی انتقادی» مطرح شده توسط «هابرماس» بر مفاهیمی مانند مشارکت،

1. critical theory
2. Frankfurt School
3. Max Horkheimer
4. Jürgen Habermas
5. public sphere
6. lifeworld

ارتباط، «برابری حقوق»<sup>۱</sup> و مردم‌سالاری تأکید دارد. در جامعه‌های برخط که بازنمونی از فضای اجتماعی هستند، «برقراری ارتباط»<sup>۲</sup> و «آزادی ارتباط»<sup>۳</sup> تسهیل می‌شود. تشویق کاربران به مشارکت، به کثرت‌گرایی اطلاعات می‌انجامد و منجر به ایجاد گروه‌های اجتماعی در بین کاربران کتابخانه می‌شود. «نظریه اجتماعی انتقادی» می‌تواند مبنای نظری مناسبی را برای استفاده از ویژگی‌های وب ۲ به‌عنوان ابزاری برای تشویق کاربران جهت مشارکت در کتابخانه‌ها به‌عنوان یک «فضای عمومی» فراهم آورد. فضای عمومی فضایی است که فرایندهای مردم‌سالارانه گفتمان عمومی در آن انجام می‌شود (Pentarchou 2014). کتابخانه‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از قابلیت‌های تعاملی و مشارکتی وب ۲ فضای عمومی مناسبی را برای کاربران فراهم کنند تا آنان بتوانند با دیدگاه‌های خود مفاهیم، واژه‌ها و برجسب‌های اجتماعی مورد نظر خود را به منابع اطلاعاتی اختصاص دهند و بدین طریق در راستای مردم‌سالاری واقعی در فرایند اطلاع‌رسانی مشارکت کنند.

کتابداران از همه استانداردها استفاده می‌کنند تا بتوانند نقاط دسترسی بهتر و بیشتری را برای کاربران فراهم آورند. کتابخانه‌ها برای این که بتوانند به هدف خود برسند، ضرورت دارد همکاری بین کتابداران و کاربران را تشویق کنند و مردم‌سالارانه کردن محیط کتابخانه را ارتقاء بخشند (Pentarchou 2014). کاربران مختلف با توجه به تجربه‌ها و دانشی که کسب کرده‌اند، مفاهیم متفاوتی در ذهن دارند و از واژه‌ها و برجسب‌های اجتماعی متفاوتی برای بیان آن مفاهیم استفاده می‌کنند. بدین طریق نقاط دسترسی متفاوت و بیشتری به‌وجود می‌آید.

سرعنوان‌های موضوعی، طرح‌های رده‌بندی و واژگان مهارشده عموماً سوگیری‌های ناشی از فرهنگ‌هایی را که در آن‌ها خلق شده‌اند، منعکس می‌کنند. این ابزارها مفاهیمی را که در متن آن فرهنگ‌ها حاکم هستند بازنمون می‌کنند و مفاهیمی را که بیرون از این فرهنگ‌ها هستند به حاشیه می‌رانند (Olson 1998). کتابداران باید از مسئولیت اخلاقی که نسبت به «دیگری»<sup>۴</sup> دارند، آگاه باشند (Olson 1993) و محدودیت‌هایی را که استانداردهای حاکم تحمیل کرده‌اند، بشکنند تا صدای کسانی که به حاشیه رانده شده‌اند نیز شنیده

1. emancipation
2. communicative action
3. communicative freedom
4. otherness

شود (Pentarchou 2014). قابلیت‌های وب ۲ و به تبع آن قابلیت‌های کتابخانه ۲ این امکان را برای کاربران فراهم کرده است که بتوانند در فرایندهای سازماندهی اطلاعات که قبل از این تحت تسلط کتابداران بود، تأثیرگذار باشند. کاربران می‌توانند با برچسب‌های اجتماعی متفاوتی که به منابع اطلاعاتی تخصیص می‌دهند، به‌طور مردم‌سالارانه‌ای در سازماندهی اطلاعات مشارکت کنند و مفاهیم و واژه‌های مورد نظر خود را به‌عنوان نقاط دسترسی جدیدی که ممکن است با نقاط دسترسی تعیین‌شده توسط کتابداران متفاوت باشند، به منابع اطلاعاتی تخصیص دهند. «آلسن» و «پنتارچو» معتقدند که برچسب‌گذاری اجتماعی روشی است که کتابداران می‌توانند از طریق آن اقتدار خود بر دانش را با کاربران به اشتراک بگذارند (Olson 2001; Pentarchou 2014).

#### ۴. سازه‌گرایی اجتماعی

سازه‌گرایی اجتماعی این پیش‌فرض را دارند که درک افراد از جهان، به شیوه زندگی و کار آن‌ها بستگی دارد. افراد معانی ذهنی خود را با توجه به تجربه‌هایشان شکل می‌دهند. معانی با چیزها یا شیء‌هایی معین مربوط می‌شوند. این معانی متنوع و متعدد هستند. اغلب معانی ذهنی از نظر اجتماعی و تاریخی مورد بحث قرار می‌گیرند. این معانی ذهنی فقط به صورت فردی شکل نمی‌گیرند، بلکه از طریق تعامل با دیگران و هنجارهای تاریخی و فرهنگی که در زندگی فرد وجود دارند، شکل می‌گیرند. پژوهشگران سازه‌گرایی اجتماعی اغلب فرایند تعامل بین افراد را مورد توجه قرار می‌دهند. آن‌ها بر بافت خاصی که افراد در آن زندگی و کار می‌کنند، متمرکز هستند و بدین طریق جایگاه فرهنگی و تاریخی مشارکت‌کنندگان را در نظر می‌گیرند. پیش‌زمینه‌های ذهنی و اجتماعی افراد تفسیر آنان را شکل می‌دهد (Creswell 2003). عناصر مهم در نظریه سازه‌گرایی اجتماعی عبارت‌اند از: الف) انسان‌ها تجربه‌هایشان را از طریق خلق یک الگو از جهان اجتماعی و چگونگی کارکرد آن شکل می‌دهند و ب) زبان، یک نظام ضروری است که از طریق آن انسان‌ها واقعیت را می‌سازند (Leeds-Hurwitz 2009). سازه‌گرایی اجتماعی تصدیق می‌کند که واقعیت‌ها در قالب سازه‌های روانی غیرمحسوس و چندگانه، اجتماعی و مبتنی بر تجربه، محلی و خاص دریافت می‌شوند و شکل و محتوایشان به اشخاص یا گروه‌ها بستگی دارد (Guba and Lincoln 1994). مفاهیم شکل‌گرفته در ذهن انسان‌ها به تجربه‌های شخصی و اجتماعی اندوخته‌شده و دانش کسب‌شده توسط آن‌ها بستگی دارد و این مفاهیم متفاوت



ممکن است توسط انسان‌های مختلف در قالب‌های واژه‌های متفاوتی بیان شوند. بر طبق نظر «کراتی» در سازه‌گرایی اجتماعی همه واقعیتهای معنادار به فعالیت‌های انسانی بستگی دارند، در تعامل بین انسان‌ها و جهانشان ساخته می‌شوند و در یک بافت اجتماعی شکل می‌گیرند و منتقل می‌شوند. فرض مبنایی این است که معناها با مشارکت فعال انسان‌ها ساخته می‌شوند (Crotty 1998). همچنین، «دافی و جوناسن» معتقدند که در سازه‌گرایی اجتماعی معناها در جهان توسط خود ما ساخته می‌شوند، نه این که در جهان از قبل و مستقل از ما وجود داشته باشند (Duffy and Jonassen 1992). راه‌های زیادی برای ساخت جهان و معانی یا دیدگاه‌های چندگانه‌ای برای هر واقعه یا مفهوم وجود دارد. این دیدگاه برعکس دیدگاه عینی‌گرایی است که حقیقت و معانی را مستقل از هر آگاهی در خود اشیاء می‌بیند.

تنش بین سازماندهی سلسله‌مراتبی و مشارکتی بر مبنای این سؤال فلسفی مطرح می‌شود که آیا جهان، مفهوم را می‌سازد یا ما مفهوم جهان را می‌سازیم؟ اگر شما باور دارید که جهان، مفاهیم را می‌سازد، پس هر کسی که تلاش می‌کند مفهومی از جهان بسازد که با مفهوم شما از جهان متفاوت است، در واقع، شما را در شرایطی قرار می‌دهد که نیاز دارید به‌طور رسمی خودتان را با آن تطبیق دهید. زیرا اگر آن را اشتباه بدانید، در واقع، آن را درباره جهان واقع اشتباه دانسته‌اید (Shirky 2005). با این فرض که واقعیت، مشروط به افرادی است که از جهان مفهوم‌سازی می‌کنند، بحث اصلی این است که بر داده‌های فعلی عمدتاً مستند و سلسله‌مراتبی هستند و از «دیدگاه هستی‌شناختی عینی‌نگر»<sup>۱</sup> تبعیت می‌کنند. از این دیدگاه فقط یک راه‌حل واحد برای مسائل وجود دارد (Alemu, Stevens, and Ross 2012). این در صورتی است که از دیدگاه هستی‌شناختی سازه‌گرایی اجتماعی ممکن است به تعداد انسان‌ها راه‌حل وجود داشته باشد، زیرا جهان‌هایی که انسان‌ها در آن‌ها زندگی می‌کنند، متفاوت است. پس، مفاهیمی که در ذهن آنان شکل می‌گیرد نیز ممکن است متفاوت و متنوع باشند.

ابزارهای ارتباط از راه دور مانند پست الکترونیکی و اینترنت ابزارهای لازم برای گفت‌وگو، بحث، و جدل را فراهم می‌کنند و این تعامل منجر به ساخت معانی می‌شود. نرم‌افزارهای شبکه‌های اجتماعی یک سکوی منحصربه‌فرد برای نوشتن مشارکتی هستند.

1. objectivist ontological viewpoint

توسعه‌های اخیر مانند رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر وب، گسترش برجسب‌گذاری اجتماعی، رواج نرم‌افزارهای شبکه‌های اجتماعی، حرکت به سمت پذیرش دیدگاه‌های متنوع و «معانی مصالحه‌شده»<sup>۱</sup> و تمایل عمومی و ضمنی برای رسیدن به یک دیدگاه خنثی همه علامت‌هایی هستند که پرداختن به دیدگاه سازه‌گرایی اجتماعی را ضروری کرده‌اند (همان). افزون بر این، سازه‌گرایی اجتماعی بر هم‌کنش‌پذیری ابرداده‌های معنایی نیز تأثیرگذار است. طبق تعریف، هم‌کنش‌پذیری معنایی به مسائل مربوط به اشتراک و تبادل اطلاعات می‌پردازد. هدف هم‌کنش‌پذیری ابرداده‌های معنایی این است که اشتراک و تبادل اطلاعات را از طریق معانی منتقل‌شده در اصطلاح‌ها و واژه‌ها فراهم کند (Veltman 2001). رویکرد سازه‌گرایی اجتماعی می‌تواند مبانی لازم برای پذیرش فناوری‌های وب ۲ را توسط کتابخانه‌ها و سایر سازمان‌های نگهدارنده میراث فرهنگی فراهم کند. با پذیرش رویکردهای اجتماعی، ابرداده‌ها غنی می‌شوند و دیدگاه‌ها و نظرات متنوع کاربران منعکس می‌گردد (Alemu, Stevens, and Ross 2012). سازه‌گرایی اجتماعی در مقابل دیدگاه هستی‌شناسی عینی‌نگر که فقط بر دیدگاه‌های فردی مستندساز تأکید دارد، بر دیدگاه‌های متفاوت و متنوع کاربران تأکید می‌کند. افراد در جهان‌های فردی و اجتماعی متفاوتی زندگی می‌کنند و دیدگاه‌های متفاوتی به دست می‌آورند که بر مفاهیم شکل گرفته در ذهنشان تأثیرگذار است. این مفاهیم متفاوت می‌توانند در قالب‌های واژه‌ای متفاوت و برجسب‌های اجتماعی مختلفی بیان شوند.

##### ۵. نسبی‌گرایی

نسبی‌گرایی فلسفی را می‌توان مبنای نظری رده‌بندی‌های مردمی در نظر گرفت. در رده‌بندی‌های مردمی «الف با ب ارتباط نسبی دارد»<sup>۲</sup>، زیرا برجسب‌های تخصیص داده‌شده به هر منبع اطلاعاتی به نظر کاربران بستگی خواهد داشت. بدین ترتیب، محدودیت‌های رده‌بندی‌های سنتی مانند «الف ب نیست»<sup>۳</sup> رفع می‌شود. برای مثال، موضوع‌های یک کتاب خاص فقط به موضوع‌های از قبل مشخص‌شده در سرعنوان‌های موضوعی محدود نمی‌شود و کاربران هم می‌توانند موضوع‌های مورد نظرشان را به کتاب اختصاص دهند و

1. negotiated meanings

2. A is relative to B

3. A is not B

ممکن است موضوع‌هایی را اختصاص دهند که با موضوع‌های داده‌شده توسط کتابداران متفاوت باشند. بنابراین، قطعیت در موضوع‌دهی وجود ندارد. فلسفه نسبی‌گرایی این امکان را برای کاربران فراهم می‌کند که با دیدگاه‌های مختلف منبع اطلاعاتی را برچسب‌گذاری کنند و فقط بر دیدگاه‌های یک فهرست‌نویس خاص برای موضوع‌دهی تأکید نکنند. بنابراین، برچسب‌های تخصیص داده‌شده به نظر هر کاربر بستگی خواهد داشت و نسبی است. به‌طور یقین، دریافت‌های ذهنی هر یک از افراد تحت تأثیر تجربه‌ها و فرهنگ او خواهد بود، در صورتی که فهرست‌نویس حرفه‌ای، حتی اگر سعی کند سوگیری نداشته باشد، فقط یک دیدگاه را نمایندگی می‌کند (Peterson 2006). رویکرد نسبی‌گرا در مقایسه با رویکرد سنتی غیرنسبی و مطلق سازماندهی اطلاعات، این امکان را فراهم می‌کند که کاربران بتوانند با استفاده از قابلیت‌های تعاملی و مشارکتی وب ۲ و کتابخانه ۲ دیدگاه‌های خود را در قالب مفاهیم، واژه‌ها و برچسب‌های اجتماعی متفاوتی بیان کنند. با وجود مزیت‌هایی که رده‌بندی‌های مردمی مبتنی بر نسبی‌گرایی برای سازماندهی اطلاعات دارند، امکان ارائه دیدگاه‌های مختلف و متنوع کاربران را نیز فراهم می‌کنند. اما رده‌بندی‌های مردمی معایبی نیز دارند که به معایب ذاتی نسبی‌گرایی فلسفی برمی‌گردد. «پیترسن» درباره معایب رده‌بندی‌های مردمی مبتنی بر نسبی‌گرایی اظهار می‌کند که اگر امکان ورود همه دیدگاه‌ها در واژگان مهارشده فراهم شود، ممکن است به عدم یکدستی منجر گردد و یک اثر خاص ممکن است درباره الف باشد یا نباشد. مثلاً ممکن است دو کاربر به یک اثر خاص، موضوع‌های متفاوتی بدهند (Peterson 2006). مهمان‌نوازی و واسازی از دیدگاه «دریادا» مسئله این نیست که یک فرد خاص تفسیرهای شخصی و خاص خود را از اثر دارد، بلکه مسئله این است که تفسیرهای چندگانه افراد که در قالب برچسب‌های متنوعی خود را نشان می‌دهند، منجر به عدم یکدستی در طرح رده‌بندی می‌شود. بدین ترتیب، ویژگی بارز واژگان مهارشده که همان حفظ یکدستی است، با تدوین واژگان مهارشده بر مبنای رویکرد نسبی‌گرا ممکن است از بین برود. از طرف دیگر، «پیترسن» به برخی دیگر از مسائل رده‌بندی‌های مردمی از دیدگاه نسبی‌گرایی نیز می‌پردازد (همان). برچسب‌های اجتماعی تخصیص داده‌شده صرفاً درهم و برهم نیستند و می‌توانند نادرست یا متضاد هم باشند. مثلاً یک کاربر ممکن است به یک منبع اطلاعاتی برچسب «اسب سفید» و کاربر دیگر به همان منبع برچسب «اسب سیاه» را تخصیص دهد. برچسب‌های اجتماعی تخصیص داده‌شده به یک منبع اطلاعاتی ممکن

است برای برخی از گروه‌های خوانندگان درست و برای برخی دیگر نادرست باشند. بنابراین، رده‌بندی‌های مردمی این امکان را فراهم می‌کنند که برچسب‌های درست و نادرست با همزیستی موجودیت پیدا کنند. برچسب‌های نسبی، شخصی و سلیقه‌ای هستند، اما علی‌رغم عدم یکدستی می‌توانند با یکدیگر همزیستی داشته باشند. خوانندگان منبع اطلاعاتی به مفسرهای شخصی تبدیل می‌شوند که ممکن است با قصد پدیدآورنده موافق نباشند.

هر کاربر اینترنت که در معرض یک منبع اطلاعاتی قرار می‌گیرد، زمینه‌های فرهنگی و زبان‌شناختی متفاوتی دارد و ممکن است از برچسب‌های متفاوتی برای بیان مفاهیمی که در ذهن دارد استفاده کند. از نظر «پیترسن» این ویژگی ذاتی و نقطه قوت رده‌بندی‌های مردمی است، زیرا از این طریق می‌توان بسیاری از دیدگاه‌های افراد را شناسایی کرد (همان). اما، همین ویژگی می‌تواند منجر به ایجاد برچسب‌هایی متضاد شود. یک طرفدار نظام رده‌بندی مردمی ممکن است این‌گونه پاسخ دهد که این اشکال درست نیست، زیرا برچسب‌ها نسبت به هر کاربر نسبی هستند. بنابراین، در نظام رده‌بندی مردمی، برچسب‌گذاری عدم یکدستی را به وجود می‌آورد و طرح سنتی رده‌بندی در مقایسه با رده‌بندی‌های مردمی که مبتنی بر نسبی‌گرایی هستند، نتایج بهتری را برای جست‌وجوگران اطلاعات به همراه خواهد داشت.

استفاده از رویکرد نسبی‌گرایی برای سازماندهی اطلاعات و به‌طور خاص برای رده‌بندی‌های مردمی این مزیت را دارد که دیدگاه‌های مختلف و متنوع کاربران قابلیت بروز پیدا می‌کنند. اما، از طرف دیگر ممکن است عدم یکدستی در بیان مفاهیم و واژه‌ها را به همراه داشته باشد و هر یک از کاربران با توجه به زمینه‌های ذهنی و اجتماعی خود مفاهیم خاص خود را به کار برد. استفاده از رویکرد نسبی‌گرایی ممکن است جامعیت بازیابی اطلاعات را افزایش دهد، اما ممکن است موجب شود مانعیت بازیابی اطلاعات نیز کاهش یابد.

## ۶. مهمان‌نوازی و واسازی از دیدگاه «دریدا»

«ژاک دریدا»<sup>۱</sup> یک فیلسوف پسا‌ساختارگرا در قرن بیستم میلادی است که دیدگاه‌های

1. Jacques Derrida

خاصی را درباره زبان، معنا، دانش و ماهیت متن مطرح کرده است. یکی از دیدگاه‌های مطرح شده توسط وی دیدگاه فلسفی-زبانی است که وی آن را «واسازی»<sup>۱</sup> نامیده است. این اصطلاح در زبان فارسی با معادل‌های دیگری مانند «شالوده‌شکنی» و «ساختارشکنی» نیز ترجمه شده است. مفهوم «واسازی» بر دیدگاهی در باره معنای کلمات استوار است. «دریدا» معتقد است که زبان ایستا نیست و معنا از یک متن به متن دیگر و از فردی به فردی دیگر تغییر می‌کند. «دریدا» بر این اعتقاد است که هیچ متنی معنای ثابتی ندارد و با توجه به ذهنیت افراد، معنایی متفاوت قابل برداشت است. با استفاده از «واسازی» این امکان فراهم می‌شود که صدای «دیگری» که در گفتارهای مسلط به حاشیه رانده شده، شنیده شود. از مفهوم «واسازی» برای تبیین مبانی نظری در حوزه‌های مختلف استفاده شده است. برخی پژوهشگران علم اطلاعات و دانش‌شناسی مانند «فاکس و ریس»<sup>۲</sup>، «دریدا» و «دوفورماتل»<sup>۳</sup>، «می»<sup>۴</sup>، «آلسن و دئوداتو»<sup>۵</sup> نیز از این مفهوم برای تبیین مبانی نظری در حوزه سازماندهی اطلاعات بهره گرفته‌اند. در ادامه، چگونگی ارتباط «واسازی» با نظام‌های سنتی سازماندهی اطلاعات مانند واژگان مهارشده و نظام‌های نوین سازماندهی اطلاعات مانند رده‌بندی‌های مردمی تشریح می‌شود.

برای تبیین این رویکرد تعریفی از مهمان‌نوازی به معنای سنتی و مهمان‌نوازی به معنایی که مورد تأیید «دریدا»ست، بیان می‌شود. سپس، به ارتباط این رویکرد با برجسب‌گذاری اجتماعی و واژگان مهارشده پرداخته می‌شود.

مهمان‌نوازی اصیل باید به صورت مطلق و غیرمشروط انجام شود. به طور آرمانی، هر کسی که بخواهد به خانه‌ای وارد شود باید در آستانه در خانه یک نظام خاص را بپذیرد. در واقع، هر کسی که به خانه‌ای وارد می‌شود، یک تهدید بالقوه فرض می‌شود. بنابراین، ما مجموعه‌ای از محدودیت‌ها را برایش وضع می‌کنیم. هر زمان که وضعیت اضطراری پیش بیاید، در خانه به روی همه افراد بسته می‌شود. به دلیل سوء ظنی که وجود دارد، این انسداد رخ می‌دهد و این انسداد امکان «فراگیرندگی»<sup>۶</sup> را حذف می‌کند (Fox and

- 
1. deconstruction
  2. Fox and Reece
  3. Derrida and Dufourmantelle
  4. Mai
  5. Olson and Deodato
  6. inclusiveness

Reece 2013). «دریدا» با وجود مشکلاتی که ممکن است مهمان‌نوازی غیرمشروط در پی داشته باشد، اظهار می‌کند که فقط مهمان‌نوازی غیرمشروط می‌تواند امکان فراگیرندگی و عدالت را فراهم آورد. در قلب مهمان‌نوازی مفهوم اعتماد وجود دارد (Fox and Reece 2000; Derrida and Dufourmantelle 2013).

گذار از «الگوی جامع علوم»<sup>۱</sup> که برخی از دانشمندان مطرح آن در حوزه کلی دانش «ارسطو» و «بیکن» بوده و در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی «دیویی»<sup>۲</sup>، «سیرز»<sup>۳</sup>، «ریچاردسن»<sup>۴</sup> و «بلیس»<sup>۵</sup> هستند، به الگویی پسانوین که بر ماهیت اجتماعی و بافت‌گونه دانش تأکید تأکید دارد، در حال وقوع است. در الگوی جدید، نظام‌های سازماندهی متنوع کاربرگرا یا جامعه‌محور جایگزین رده‌بندی‌های واحد، عینی و «وحی منزل‌گونه»<sup>۶</sup> شده‌اند (Mai 2004). مانع اصلی تفسیر پست‌مدرن از سازماندهی دانش، مهار کتابشناختی است. یکی از راه‌حل‌ها این است که نظام‌های رسمی سازماندهی دانش با نظام‌های رده‌بندی مردمی و برجسب‌های اجتماعی تکمیل شوند تا بدین طریق صدای کاربران شنیده شود (Fox and Reece 2013).

در سازماندهی دانش، استانداردهایی که برای مهار کتابشناختی وضع شده‌اند، قوانینی هستند که نقش مهارکننده در آستانه درِ خانه را ایفا و همه‌چیز مانند واژگان، ساختار، مرزهای مقوله‌ها، موضوع‌ها و سایر تفاسیر مربوط به معنی و متن را مهار می‌کنند. این استانداردها به مثابه شکلی ضروری از سانسور عمل می‌کنند که غلط‌های املائی، ذهنیت‌ها، تفاسیر غیرغالب و سایر تفاوت‌ها را مهار می‌کنند (Fox and Reece 2013). به عبارت دیگر، آن‌گونه که «آلسن» (۱۹۹۸) اخطار می‌دهد، به کارگیری این استانداردها خطر حذف دیدگاه‌های دیگران را در پی دارد (Olson 1998). از نظر «دریدا و دوفورمنتل» این رویکرد روش‌های خشونت‌آمیزی را که ممکن است مفهومی، اخلاقی و گاهی فیزیکی باشند، تأیید می‌کند (Derrida and Dufourmantelle 2000). تأیید حق میزبان برای تحمیل قدرتش به مهمان یا غریبه یا دیگران، ظهور یک نظام قدرت را تقویت می‌کند و مهمان

1. universalist paradigm  
2. Dewey  
3. Sears  
4. Richardson  
5. Bliss  
6. God's eye view

که یک اجنبی قلمداد می‌شود، ناچار است به این محدودیت‌ها تن در دهد یا از خانه خارج شود. نمونه‌ی شناخته‌شده، رده ۲۰۰ رده‌بندی دهدهی دیویی است که بیشتر رده‌های آن به موضوع‌های مربوط به مسیحیت اختصاص داده شده و به بقیه ادیان جهان، فقط رده ۲۹۰ اختصاص داده شده است (Fox and Reece 2013). همچنین، در رده ۸۰۰ رده‌بندی دیویی، هشت رده به ادبیات‌های غربی اختصاص یافته و فقط یک رده به سایر ادبیات‌ها که غیر غربی هستند، اختصاص داده شده است. اگر کسی بخواهد از رده‌بندی دهدهی دیویی استفاده کند باید به شرایط تحمیل‌شده تن در دهد یا اصلاً ورود و استفاده نکند. به نظر می‌رسد تخصیص این رده‌ها با توجه به شرایط و مقصیبات کشور تدوین‌کننده رده‌بندی و حوزه‌های موضوعی کتاب‌های آن کشور انجام شده است. بنابراین، در کشورهای مختلف با توجه به نیازهای ملی و بومی خودشان، امکان گسترش رده‌بندی‌ها در همان محدوده تعیین‌شده امکان‌پذیر شده است.

از نگاه «دریدا»، برچسب‌گذاری اجتماعی که مهار کتابشناختی را کنار گذاشته است، می‌تواند در حوزه سازماندهی دانش مهمان‌نوازی غیرمشرط را عملیاتی کند (Fox and Reece 2013). اما، مهمان‌نوازی غیرمشرط در بهترین وجه، آن‌گونه که «دریدا» حکم می‌کند، ممکن است مشکلاتی را نیز به وجود آورد. از نظر «فاکس و ریس» برچسب‌گذارها صدای دیگران را به گوش می‌رسانند، اما ممکن است محتوای منبع اطلاعاتی را به سهو یا عمد اشتباهی بازنمون کنند، غلط‌های املائی داشته باشند، از واژه‌های متضاد، ناخوشایند و نامنسجم استفاده کرده و امکان رسیدن به یک اجماع درباره موضوع منبع اطلاعاتی را سخت کنند (همان). در محیط‌های برچسب‌گذاری کمترین حد ژرف‌بینی اعمال، اما به بهترین وجه فراگیری دیدگاه‌ها امکان‌پذیر و به‌طور همزمان فرصت برای اجتماعی شدن یا ضد اجتماعی شدن فراهم می‌شود. در مقابل، در رده‌بندی‌های کتابخانه بالاترین حد ژرف‌بینی در استانداردسازی‌ها اعمال می‌شود. تفاوت در ژرف‌بینی را می‌توان در «لایبرری ٲینگ»<sup>۱</sup> و کتابخانه کنگره مشاهده کرد.

برچسب‌گذاری اجتماعی بازتاب صدای جامعه کاربران است و محدودیت‌های استانداردهای سازماندهی دانش برای دسترسی موضوعی را ندارد. برچسب‌گذاری امکان ارائه چشم‌اندازهای مختلف را فراهم می‌کند. «دریدا» با استفاده از مفهوم «واسازی»

1. LibraryThing

استدلال می‌کند که مهمان‌نوازی کامل یا غیرمشروط تأمین‌کننده عدالت برای دسترسی و فراگیرندگی است. «واسازی» ابهام ذاتی در مفاهیم را تصدیق می‌کند و انبوه مفاهیمی که برچسب‌گذارها تخصیص می‌دهند، تأییدکننده وجود آن هستند (Fox and Reece 2013). «دئوداتو» (۱۳۹۵) معتقد است «یک رهیافت «واسازانه» راستین به جای این که صرفاً یک استاندارد را به جای استاندارد دیگر بگذارد، مرزهای استاندارد مسلط را سوراخ سوراخ می‌کند تا صداهای دیگر امکان شنیده شدن داشته باشند». افزون بر این، از نظر «دئوداتو» (همان) پیدایش فناوری‌های نوین مانند فناوری‌های وب ۲ امکان شنیدن صدای دیگران را فراهم کرده است. کاربران با استفاده از قابلیت‌هایی مانند برچسب‌گذاری اجتماعی می‌توانند تعابیر خاص خودشان را بیان کنند و با سایر کاربران به اشتراک بگذارند. بدین ترتیب، کتابداران بخشی از اختیارات خود در سازماندهی دانش را به کاربران، به‌ویژه کاربران به حاشیه رانده شده واگذار می‌کنند تا ساختارهای خاص خودشان برای سازماندهی دانش را پدید آورند.

مهمان‌نوازی از دیدگاه «دریدا» یا مهمان‌نوازی غیرمشروط در مقابل مهمان‌نوازی از نگاه سنتی یا مهمان‌نوازی مطلق قرار دارد. در مهمان‌نوازی از نگاه سنتی، مهمان باید چارچوب تعیین شده توسط میزبان را محترم بشمارد و رعایت کند. بنابراین، محدودیت‌ها یا معذوریت‌هایی برای مهمان به وجود می‌آید، اما در مهمان‌نوازی غیرمشروط «دریدا»، مهمان، آزادی عمل دارد و بدون محدودیت‌های معمول سنتی می‌تواند در خانه میزبان حضور داشته باشد و فعالیت کند. در دنیای سازماندهی اطلاعات، مصادیق مهمان‌نوازی سنتی و مهمان‌نوازی غیرمشروط را می‌توان در دو نظام سازماندهی سنتی و نظام سازماندهی نوین یعنی رده‌بندی‌های مردمی مشاهده کرد. در نظام سازماندهی سنتی مهار واژگانی در یک نظام مشخص از پیش طراحی شده انجام می‌شود و میزبان یعنی کتابداران یا فهرست‌نویسان مفاهیم و واژگانی را که نماینده آن مفاهیم هستند، انتخاب می‌کنند و کاربران که در واقع، مهمانان کتابخانه هستند به ناچار باید در همان چارچوب مشخص شده حرکت کنند و به جست‌وجو و بازیابی اطلاعات پردازند. اما در نظام‌های رده‌بندی مردمی به کاربران آزادی عمل داده می‌شود و کاربران بدون رعایت چارچوب‌هایی خاص می‌توانند مفاهیمی را که در ذهن دارند با برچسب‌های مورد نظر خود بیان کنند.



## ۷. نتیجه‌گیری

رویکردهای نظری مطرح‌شده، یعنی نظریه اجتماعی انتقادی، سازه‌گرایی اجتماعی، نسبی‌گرایی، و اساززی و مهمان‌نوازی «دریدا»یی می‌توانند مبنای نظری مناسبی را برای قضاوت درباره قابلیت‌ها و ویژگی‌های نظام سنتی سازماندهی اطلاعات و نظام رده‌بندی‌های مردمی ارائه کنند. با استفاده از این رویکردهای نظری می‌توان به‌طور مبنایی در باره مزایا و معایب رده‌بندی‌های مردمی و برجسب‌های اجتماعی و مقایسه آن‌ها با واژگان مهارشده قضاوت کرد. روی هم رفته، می‌توان گفت که تقریباً در همه رویکردهای نظری بررسی‌شده بر این نکته تأکید شده است که افراد و کاربران در دنیاهای متفاوتی زندگی می‌کنند و با توجه به شرایط فردی و اجتماعی خود از تجارب و دانش‌های متفاوتی برخوردار هستند. بنابراین، مفاهیمی متفاوت در ذهن آن‌ها شکل گرفته است و از واژه‌هایی متفاوت برای بیان این مفاهیم استفاده می‌کنند، به‌طوری که از کاربری به کاربر دیگر متفاوت است. این تنوع مفاهیم در قالب برجسب‌های اجتماعی و رده‌بندی‌های مردمی قابلیت بروز دارد. اما، در نظام سازماندهی اطلاعات با واژگان مهارشده فقط مفاهیمی که در ذهن کتابدار یا فهرست‌نویس یا مستندساز وجود دارند، قابلیت بروز دارند که ممکن است با مفاهیمی که در ذهن کاربران هست، متفاوت باشند. همچنین، در این نظریه‌ها بر نسبی بودن مفاهیم و واژه‌ها در کاربران مختلف تأکید شده است. نسبی بودن می‌تواند مسئله عدم یکدستی را به وجود بیاورد. یکدستی در واژگان مهارشده مورد توجه قرار گرفته است و از نقاط قوت این نظام محسوب می‌شود، در حالی که در رده‌بندی‌های مردمی به‌عنوان یک نقطه ضعف تلقی می‌شود. استفاده از رویکردهای نظری مربوط به سازماندهی اطلاعات با استفاده از رده‌بندی‌های مردمی ممکن است جامعیت بازبایی اطلاعات را افزایش دهد، اما ممکن است در ضمن، موجب کاهش مانعیت بازبایی اطلاعات گردد. در نهایت این که، قضاوت درباره مناسب بودن مبانی نظری رده‌بندی‌های مردمی و مقایسه آن‌ها با واژگان مهارشده باید بر مبنای یافته‌های پژوهشی و در نظر گرفتن همه جوانب انجام شود. مبانی نظری واژگان مهارشده در طول زمان در عمل کارایی خود را نشان داده و نقاط قوت و ضعف این نظام در پژوهش‌های انجام‌شده آشکار گردیده است. اما در حوزه جدید رده‌بندی‌های مردمی نیاز است که مبانی نظری مطرح‌شده با استفاده از پژوهش‌های بیشتر آزمون شود و مزایا و معایب آن نمایان گردد. در حال حاضر، یافته‌های پژوهش‌هایی که به مقایسه رده‌بندی‌های مردمی و واژگان مهارشده پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که به

جای جایگزینی باید بر مکرمل بودن این دو نظام تأکید شود. بدین ترتیب، در یک نظام سازماندهی اطلاعات هیبریدی، نقاط قوت و ضعف این دو نظام یکدیگر را پوشش خواهند داد.

### فهرست منابع

دئوداتو، جوزف. ۱۳۹۵. *واسازی کتابخانه با ژاک دریدا: ایجاد فرصت و فضا برای «دیگری» در توصیف و طبقه‌بندی کتابشناختی*. در نظریه انتقادی برای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی: جست‌وجوی امر اجتماعی در لابه‌لای رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی. گلوریا جی. لکی، لیزا ام. گیون و جان‌ئی پوشمن؛ ترجمه

Alemu, G., B. Stevens, and P. Ross. 2012. Towards a conceptual framework for user-driven semantic metadata interoperability in digital libraries: A social constructivist approach. *New Library World* 113 (1/2): 38-54.

Creswell, J. 2003. *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. (3<sup>rd</sup> ed.). Thousand Oaks, CA: Sage Publications [http://www.sagepub.com/upm-data/22780\\_Chapter\\_1.pdf](http://www.sagepub.com/upm-data/22780_Chapter_1.pdf) (Accessed October 11, 2015).

Crotty, M. 1998. *The foundations of social research: Meaning and perspective in the research process*. London: SAGE Publications.

Derrida, J. and A. Dufourmantelle. 2000. *Of Hospitality: Anne Dufourmantelle invites Jacques Derrida to respond* (trans. R. Bowlby). Stanford, Calif.: Stanford UP.

Duffy, T. M. and D. H. Jonassen. 1992. *Constructivism and the technology of instruction: A conversation*. Hillsdale, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates, Inc., Publishers.

Fox, M. and A. Reece. 2013. The Impossible Decision: Social Tagging and Derrida's Deconstructed Hospitality. *NASKO* 4 (1). <http://journals.lib.washington.edu/index.php/nasko/article/view/14645> (Accessed October 12, 2015).

Guba, G. and S. Lincoln. 1994. Competing paradigms in qualitative research. Chapter 6 in Denzin, N. K. and Lincoln, Y. S., eds., *Handbook of qualitative research*, 105-117. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications.

Hansson, O. 2014. The state of research on folksonomies in the field of Library and Information Science: A Systematic Literature Review. <http://up.lub.lu.se/luur/download?func=downloadFile&recordId=4451166&fileId=4451168> (Accessed October 10, 2015).

Jenkins, H. 2006. *Convergence culture: where old and new media collide*. New York: New York University Press.

Leeds-Hurwitz, W. 2009. Social construction of reality. In S. Littlejohn, & K. Foss (Eds.), *Encyclopedia of communication theory*. (pp.892-895). Thousand Oaks, CA: SAGE Publications.

Kipp, M. E. I. 2005. Complementary or discrete contexts in online indexing: A comparison of user, creator, and intermediary keywords. *Canadian Journal of Information and Library Science* 29 (4): 419-436.

\_\_\_\_\_. 2011. Tagging of Biomedical Articles on CiteULike: A Comparison of User, Author and Professional Indexing. *Knowledge Organization* 38 (3): 245-261.

Mai, J. 2004. Classification in context: Relativity, reality, and representation. *Knowledge Organization* 31 (1): 39-48.

- Nashipudi, M. 2012. Web 2.0 and folksonomy. *International Journal of Digital Library Services* 2 (1): 29-35.
- Olson, H. A. 1993. Assumptions of naming in information storage and retrieval: A deconstruction. In Canadian Association for Information Science, 1993. *Information as a global commodity: Communication, processing and use—21st Annual Conference*. Antigonish, Nova Scotia, 12-14 July 1993. [http://www.caisacsi.ca/proceedings/1993/Olson\\_1993.pdf](http://www.caisacsi.ca/proceedings/1993/Olson_1993.pdf) (Accessed August 4, 2015).
- \_\_\_\_\_. 1998. Mapping beyond Dewey's boundaries: Constructing classificatory space for marginalized knowledge domains. *Library trends* 47 (2): 233-254.
- \_\_\_\_\_. 2001. The power to name: Representation in library catalogs. *Signs* 26 (3): 639-668.
- Pentarchou, K. 2014. Web 2.0 tools integration in Online Public Access Catalogue (OPAC)—users desires and motivation. Master Thesis in Informatics, Linnaeus University, Sweden.
- Peterson, E. 2006. Beneath the metadata: Some philosophical problems with folksonomy. *D-Lib Magazine* 12 (11). <http://www.dlib.org/dlib/november06/peterson/11peterson.html> (Accessed August 4, 2015).
- Shirky, C. 2005. Ontology is Overrated: Categories, Links, and Tags. *Clay Shirky's writings about the internet*. [http://shirky.com/writings/ontology\\_overnated.html](http://shirky.com/writings/ontology_overnated.html) (Accessed December 5, 2015).
- Veltman, K. H. 2001. Syntactic and semantic interoperability: New approaches to knowledge and the semantic web. *New Review of Information Networking* 7 (1): 159-183.
- Wu, D., D. He, J. Qiu, R. Lin, and Y. Liu. 2013. Comparing social tags with subject headings on annotating books: A study comparing the information science domain in English and Chinese. *Journal of Information Science* 39 (2): 169-187.

#### مهدی خادمیان

متولد سال ۱۳۵۵، دارای مدرک دکتری در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دانشگاه شهید چمران اهواز است. ایشان هم‌اکنون کارشناس مستندسازی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران است.

سازماندهی اطلاعات و مبانی نظری علم اطلاعات و دانش‌شناسی از جمله علایق وی است.



#### مرتضی کویکی

متولد سال ۱۳۳۰، دارای مدرک دکتری در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دانشگاه نیوساوث‌ویلز استرالیا است. ایشان هم‌اکنون استاد بازنشسته گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز است.

فهرست‌نویسی کامپیوتری، مارک، و روش تحقیق از جمله علایق وی است.

